

بخش نهم

# فردغ و روشنایی

این بخش در برگیرنده ۳۶۲ نام میباشد.

آبید - زبانه آتش •  
 آتاش - آتش • آذر •  
 آتاشا - آتش • آر • آذر •  
 آترش - (مانند آترم) : آتش •  
 آتره - (مانند پایور) : آتش •  
 آتری آفرید - آفریده آتش •  
 آتری آفرین - زاده آتش •  
 آتری بانو - بانوی آتش •  
 آتری دخت - (آتری مانند آشتی) :  
 دختر آتش •  
 آتری داد - آفریده آتش •  
 آتری زاد - زاده آتش •  
 آتش افروز - زیبا • خوشگل • پرشور •  
 آتش بهار - گل سرخ و لاله •  
 آتشپاره - زیبا • گیرا • پرشور و خروش  
 آتش دم - گرم • آتشین • پرشور •  
 آتش رنگ - زیبارو • گلگون •  
 آتش روز - خورشید •  
 آتش فام - آتشین • آتش رنگ • گلگون •  
 آتش فروغ - پرتو و فروغ آتش •  
 آتشك - آتشپاره •  
 آتشگون - مانند آتش •  
 آتش گهر - بانژاد • والالتبار •  
 آتشممان - مانند آتش •  
 آتش مهر - آتش خورشید • پر مهر •  
 آتش نما - مانند آتش •  
 آتشوش - همانند آتش •  
 آتشیزه - آتش کم افروخته و گیرا •

آتشین - مانند آتش •  
 آتوراناهیت - آتش ناهید • آتشکده ای  
 در استخر فارس بسیار با شکوه •  
 آتور ناهید - آتش ناهید •  
 آذر - آتش • آتور •  
 آذر آفرید - زاده آتش •  
 آذر آفرین - آفریده آتش •  
 آذرباد - نگهبان آتش •  
 آذر بانو - بانوی آتش •  
 آذر بخت - بخت بلند • شاد بخت •  
 آذربوخت - رستگار ایزد آتش •  
 آذر خورشید - آتش خورشید • گرم • و  
 با شکوه • درخشان و فروزنده •  
 آذر دخت - دختر آتش • گرمابخش •  
 آذر دیس - مانند آتش •  
 آذر روز - نیکبخت • شادمان • فرشته  
 نگهبان آتش •  
 آذر زاد - آفریده آتش •  
 آذر شین - مرغ سمندر • همنشین آتش  
 آذر فروز - فروزنده آتش •  
 آذرك - آتش دوست داشتنی •  
 آذرگان - جایگاه آتش •  
 آذرگون - مانند آتش • گلگون • زیبا •  
 آذرنگ - روشن • پر فروغ •  
 آذرمان - مانند آتش •  
 آذرنوش - آتش جاویدانی •  
 آذریار - همدم آتش •  
 آذرین - آتشین •

آذرین دخت - دختر آتش • گرم و زیبا •  
 آذیش - آتشین •  
 آریانو - بانوی آتش • گرم و پر مهر •  
 آریار - دارنده میوه آتشین •  
 آریام - آتش درخشان •  
 آریخت - بخت آتشین • نیکبخت •  
 آریاك - آتش پاك و اشویی •  
 آرتاب - آتش تابان •  
 آرتاپيك - آتش تابنده و درخشان •  
 آرتاج - تاج آتش •  
 آردخت - دختر آتش •  
 آر روز - آتشین روز • نیکبخت • روشن  
 آرشاد - شاد آتشین •  
 آرشید - آتش فرو زنده •  
 آرفروز - فروزنده آتش •  
 آرگون - آتشین مانند • همسان آتش •  
 آر گوهر - آتشین نژاد • پاك تبار •  
 آرمه - آتش ماه •  
 آرم - (مانند کارگر) : دارنده اندیشه  
 پاك آتشین • نیکدل و با مهر •  
 آرنار - نار آتشین •  
 آرناز - آتش دوست داشتنی • زیبا •  
 آرناهید - آتش ایزد باوری و سرسبزی  
 آرنوش - آتش جاوید •  
 آرنیک - آتش خوب •  
 آر هو - آتش خوب • آتش نیک و پاك •  
 آرهور - آتش خورشید • فروزان •  
 آفتاب - روشنایی خورشید • می ناب

آفتابان - درخشان • فروزان •  
 آفتابی - سرخگون • فروزان • رخسند  
 آفرازه - زبانه آتش •  
 آفروزه - درخشان • فروزنده • آتشنز  
 آلاو - (مانند سامان) : زبانه آتش •  
 آوه - (مانند کاوه) : کوره آتش •  
 آویس - آتش • آذر • آر • آتور •  
 آیشم - (مانند بایست) : ماهتاب •  
 آبیژك - (مانند کامی فر) : زبانه آتش  
 اتون - (مانند همون) : آتش •  
 اتون بخت - بخت آتشین • نیکبخت  
 اتون داد - داده آتش • آتشین •  
 اتون زاد - آفریده آتش •  
 اتونه - آتش •  
 اتونه دخت - دختر آتش •  
 اخگر - تابان • ریزه آتش •  
 اخگرزا - آفریننده آتش • تابنده •  
 اوروخش - (مانند سودبخش) : درخشان  
 اروس - (مانند ملوس) : سفید • زیبا  
 و درخشان • خوش اندام •  
 افرازه - زبانه آتش •  
 افرد - (مانند سرهنگ) : فروغ • پرتو  
 افروخته - آتش شده • پراخگر •  
 افروز - فروغ و رخسندگی •  
 افروزان - تابان • رخشان •  
 افروز بانو - بانوی پر فروغ و تابان  
 افروز دخت - دختر رخسند و زیبا •

افروزش - افروختگی - روشنایی •  
افروغ - پرتو • تابش • روشنایی •  
افروزه - رخشنده • تابان • آتشگیره •  
افشید - فروغ خورشید • درخشش •  
اور - (مانند سور) : آتش • آذر •

بامی - درخشان • فروزان • روشن •  
بامیا - پر فروغ • فروزنده • رخشنده •  
بامی بانو - بانوی پر فروغ • فروزان •  
بامی تاج - تاج درخشندگی •  
بامی دخت - دختر رخشندگی •  
بخت افروز - دارنده بخت بزرگ •  
خجسته • خوشبخت •  
بروازه - (مانند دروازه) : آتشی که  
پیشاپیش اروس بر میافروزند •  
بوختار - فروغ و روشنایی •  
به آذر - آتش فروزان و برتر •  
بهتاب - فروزان • رخشان •  
بهشید - رخشنده • تابان •  
بهفروز - نیک افروخته • روشن •  
بهفروغ - نیک پرتو • فروزنده •  
به نار - آتش نیک • نژاده • باتبار •  
بیدخت - رخشان • ستاره ناهید •

پاکروز - خوشبخت • شاد • روشن •  
پرتو - فروغ • روشنایی • رگه فروزش •  
پرتو آفرید - آفریده فروغ •  
پرتو آفرین - زاده روشنایی •

پرتوبانو - بانوی رخشندگی و فروغ •  
پرتوتاج - تاج روشنایی و رخشندگی •  
پرتودخت - دختر روشنایی و فروغ •  
پر فروغ - روشن • فروزان • تابان •  
پروک - (مانند بکوش) : درخشان •

تابا - فروزان • درخشان •  
تابان - رخشنده • پر فروغ •  
تابان آفرید - آفریده فروزش و پرتو •  
تابان آفرین - زاده روشنایی و فروغ •  
تابان بخت - بخت بلند • خوشبخت •  
تابان تاج - تاج رخشنده • سرور • زیبا •  
تابان دخت - دختر فروزش • پرشکوه •  
تابش - پرتو • رگه های فروغ •  
تابناک - درخشنده • تابان •  
تابنده - فروزنده • فروزان • رخشان •  
تابه زر - خورشید • فروغ فراوان •  
تاپیک - درخشان • تابنده •  
تاج فروز - زیبا • درخشان • گیرا •  
تاج فروغ - نگدبه " تاج فروز " •  
تارا دخت - دختر ستاره رخشان •  
تیرا دخت - دختر ستاره رخشندگی •

جام تلا - خورشید • رخشندگی •  
جشن آذر - روشنی بخش جشن •  
جشن افروز - فروزنده جشن •  
جشن پرتو - تابان بخش جشن •  
جشن فروز - نگدبه " جشن افروز " •

جشن فروغ - نگدبه " جشن پرتو " •  
جویا فروغ - دوستدار روشنایی •

چتر زرین - آفتاب • فروغ • فروزش •  
چتر سیمین - ماه شب چهارده •  
چراغ - روشنایی - فروغ •  
چراغک - چراغ دوست داشتنی •  
چرغنده - (مانند رخشنده) : چراغ •  
چلچراغ - روشن افروز • پر فروغ •  
خوش آذر - آتش نیک •

خوشتاب - رخشنده • فروزان • زیبا •  
خوش فروز - نگدبه " خوشتاب " •  
خوش فروغ - " نگدبه " خوشتاب " •

داد افروز - آفریده روشنایی •  
داد فروز - داده فروغ و رخشندگی •  
دامن فروغ - سرشار از روشنایی •  
درخش - رخشندگی • فروغ • آذرخش •  
درخشینه - رخشندگی • فروزش •  
دیمه - (مانند بیمه) : روشنی • فروغ  
ورخشندگی • شبنم • باران نرم •

رخشا - روشن • پر فروغ • پر پرتو •  
رخشان - پرتوافکن • تابان •  
رخشانه - فروغ آور • روشنی بخش •  
رخشنده - درخشان • فروزان •  
رخسان - (مانند پردان) : فروغ •

رخسانه - درخشان • تابان •  
رگسان - نگدبه " رخسان " •  
رکسانه - نگدبه " رخسانه " •

روز آفرید - آفریده روشنایی و فروغ •  
روز آفرین - نگدبه " روز آفرید " •  
روز چک - رخشان • روشن • پر فروغ •  
روز تاج - تاج روشنایی •  
روز دخت - دختر روشنایی و فروغ •  
روز گرد - (مانند جورکرد) : آفتاب •  
روزگون - روشن مانند روز •  
روشان - فروغ و روشنایی • فروزش •  
روشن - تابان • فروزان •  
روشنا - درخشندگی • فروغ •  
روشناک - تابان فروزنده •

روشن بانو - بانوی درخشنده و تابان •  
روشن تاج - فر روشنی •  
روشن دخت - دختر فروزندگی •  
روشناک - فروزش دوست داشتنی •  
روشنگه - پرتو افشان • پر فروغ •

ژابیر - زبانه آتش • اخگر •  
ژابیز - نگدبه " ژابیر " •  
ژابیژ - " نگدبه " ژابیر " •  
ژابیژ دخت - دختر اخگر •  
ژاسر - نگدبه " ژابیر " •  
ژوزه - آتش زیر خاکستر •  
سپیتام - روشن • پر فروغ • فروزان •

سپیتان آفرید - آفریده رخسندگی •  
 سپیتام آفرین - زاده فروزش و فروغ  
 سپیتام بانو - بانوی درخشش و فروغ  
 سپیتام تاج - تاج روشنایی و فروزانی  
 سپیتام دخت - دختر روشنایی •  
 سپیده - پگاه • روشنی - بام - داد •  
 سپیده آفرید - آفریده پگاه •  
 سپیده آفرین - زاده روشنایی •  
 سپیده تاج - شکوه فروغ بامدادی •  
 سپیده دخت - دختر سپیده •  
 سپیده داد - آفریده پگاهان •  
 سوزان - روزنده • گرما بخش •  
 سوزان بانو - بانوی گرما بخش •  
 سوزان تاج - تاج مهر و گرما •  
 سوزان دخت - دختر اخگر و گرما •  
 سوزنده - پر گرما • پر شور •  
 شادروز - خرم روز • نیکبخت •  
 شادی فروز - فروزنده شادی •  
 شادی فروغ - دلشادی • خرمی • فر  
 خرمی • شادی درخشان •  
 شبآویز - نشان سترگان • مرغ شب •  
 شب افروز - پرفروغ • پرتو • نام  
 شیرین دل داده فرهاد •  
 شب تاب - پر درخشش • روشن •  
 شب چراغ - گوهر •  
 شب فروز - رخسندگی • فروزان •  
 شهاب - تابنده • پر فروغ •

شید - روشنی • رخسندگی • تابش •  
 شید آفرید - آفریده روشنایی و فروغ •  
 شید آفرین - زاده رخسندگی و تابش •  
 شید افشان - روشنی بخش • فروزان  
 شیدان - روشن • فروزان •  
 شیدان بانو - بانوی رخسندگی •  
 شیدان تاج - فرو شکوه رخسندگی •  
 شیدان دخت - دختر درخشان •  
 شیدان شید - فروغ درخشان •  
 شیدانه - رخشان • فروزان •  
 شیدبانو - بانوی فروغ و تابندگی •  
 شید بر - زیبا • خوشگل • پرفروغ •  
 شید بخت - نیکبخت • فرخنده •  
 شیدتاب - تابنده • پرتوافکن •  
 شید دخت - دختر فروغ •  
 شید ناب - روشنایی شکوهمند •  
 شیدغش - فروزنده • تابان •  
 شیدوش - نگه به " شیدفش " •  
 شیده - رخسندگی • روشن • تابنده •  
 فرشیده - شکوه روشنایی •  
 فر سو - برتر از فروغ •  
 فر فروز - شکوه روشنایی •  
 فر فروغ - نگه به " فر فروز " •  
 فرگون - رخشان • پرفروغ •  
 فروز - روشن • تابان •  
 فروزا - رخشان • تابان •  
 فروزان - نگه به " فروزا " •

فروز بخت - روشن بخت • نیکبخت •  
 فروزش - تابش • فروغ •  
 فروزنده - تابنده • رخشان •  
 فروزین - درخشان • رخسندگی •  
 فروزینه - آتشنه • فروزان •  
 فروزه - رخسندگی • تابش •  
 فروزیده - برافروخته • روشن •  
 فروغ - پرتو • روشنایی •  
 فروغ افشان - پرتوافکن • رخشان •  
 فروغ انگیز - روشنگر • رخشان •  
 فروغ آفرید - آفریده ده • فروغ •  
 فروغ آفرین - زاده روشنایی •  
 فروغ بانو - بانوی فروزش •  
 فروغ بخت - روشن بخت • نیکبخت •  
 فروغ دخت - دختر تابش و رخسندگی •  
 فروغمند - پر فروغ • تابنده •  
 فرهور - درخشان • تابان •  
 گلتاب - فروغ گل • گل رخسندگی •  
 گل رخش - بسیار رخشان •  
 گوهر تاب - تابش گوهر •  
 گوهر شید - درخشش گوهر •  
 گوهر فروز - گوهر فروزان •  
 کهر تاب - نگه به " گوهر تاب " •  
 کهر شید - " نگه به " گوهر شید " •  
 کهر فروز - نگه به " گوهر فروز " •  
 لیان - (مانند میان) : رخشان •  
 لیان آفرید - آفریده فروغ •

لیان آفرین - زاده فروزش و روشنی  
 لیان بانو - بانوی فروغ و رخسندگی  
 لیان تاج - تاج درخشش و تابندگی  
 لیان دخت - دختر فروزش •  
 لیان - درخشان • نام بوشهر •  
 لیان آفرید - آفریده فروغ •  
 لیان آفرین - نگه به " لیان آفرید " •  
 لیان بانو - بانوی رخسندگی •  
 لیان دخت - دختر درخشندگی •  
 لیانه - رخشان • فرشید •  
 ماه پایه - ستون روشنایی ماه •  
 مهین آر - آتش بزرگ سربرکشیده •  
 مینو آذر - بهشت گرم و آتشین •  
 نار آفرید - آفریده آتش •  
 نار آفرین - زاده آذر •  
 ناربانو - بانوی آتشین •  
 نارتاج - فر و شکوه آتش •  
 نارداد - زاده آتش •  
 نار دخت - دختر آتشین •  
 نارفش - همانند آتش -  
 نارگون - همانند آتش •  
 نارگونه - مانند آتش •  
 ناروش - همانند آتش •  
 نیک تاب - درخشندگی • برجسته •  
 نیک روز - فرخنده • شاد • روشن •  
 نیک فروز - درخشندگی • فروزان •

نيك فروزان - رخشان • پرفروغ •

هوشبام دخت - دختر سپيده گاهان •

وخش - روشنايي • درخشش •  
وخشه - تابش • درخشندگي •  
وراغ - (مانند زمان) : آتش • فروغ •  
روشنايي • درخشش •  
وراغه - نگه به " وراغ " •  
ورتاج - خورشيد • نيلوفر •  
ورزم - (مانند مرهم) : زبانه آتش •  
گل آتش •  
ورغ - (مانند برگد) : فروغ • روشنايي •  
ورغ آفريد - زاده فروغ •  
ورغ آفرين - نگه به " ورغ آفريد " •  
ورغ بانو - بانوي فروغ •  
ورغ تاج - شكوه روشنايي •  
ورغ داد - زاده فروزش و روشني •  
ورغ زاد - نگه به " ورغ داد " •  
ورغينه - رخشنديگي و تابش •

هیر  
هیر - آتش •  
هیر آفريد - آفريده آتش •  
هیر آفرين - نگه به " هیر آفريد " •  
هیر افروز - برافروزيده آتش •  
هیر بانو - بانوي آتشين •  
هیر تاب - تابش آتش •  
هیر تاج - شكوه آتش •  
هیر تارا - آتش ستاره • ستاره آتشين •  
هیر تيرا - نگه به " هیر تارا " •  
هیر داد - آفريده آتش •  
هیر دخت - دختر آتش •  
هیر دم - آتش دم • پرمهر و گرمابخش •  
هیر روز - آتش روز • نيکبخت • شاد •  
هیر زاد - آفريده آتش •  
هیر قام - همانند آتش •  
هیر فروز - افروزيده آتش •  
هیر فروغ - پرتو آتش •  
هیر گون - همانند آتش •  
هیر گوهر - آتشين تبار • وال •  
هیر مان - همانند آتش •  
هیر يار - دوست آتش •  
هیر ماه - آتش ماه •  
هیر مهر - آتش مهر رخشان •  
هیر ناهيد - آتش فرشته باوري •  
هیر نيك - آتش پاك و اشويي •  
هیر فرش - همانند آتش •

هورخش - (مانند هومند) : نيسك  
روشن • فروزان • درخشان • آفتاب •  
هوشبام - بامداد • سپيده دم •  
هوشبام آفريد - زاده بامداد •  
هوشبام آفرين - آفريده سپيده دم •  
هوشبام بانو - بانو سپيده گاه •  
هوشبام تاج - تاج پگاهان •  
هوشبام داد - زاده بامداد •  
هوشبام زاد - آفريده سپيده دم •